

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال سیزدهم، شماره ۵۱، بهار ۱۴۰۰

صفحات: ۱۵۷-۱۳۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۰؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵

مقاله: پژوهشی

تسری افساد فی الأرض به جرایم اقتصادی: بسترها و چالش‌ها

علی اسدی* / امیر محمد صدیقان** / علی زارع مهرجردی***

چکیده

پیش‌بینی اخلال گسترده در نظام اقتصادی کشور به عنوان مصداقی از افساد فی الأرض در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مطالعه بسترهای شکل‌گیری این رویه در قانونگذاری مرتبط با جرایم اقتصادی و تحلیل چالش‌های مترتب بر آن را ضروری می‌سازد. اگرچه اتخاذ رویه مزبور در قوانین خاص سابق همچون قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مسبوق به سابقه بوده است، لیکن بکارگیری آن در قانون مجازات اسلامی به عنوان قانون مادر، ضرورت تبیین و تحلیل مؤلفه‌های مورد اشاره را دوچندان ساخته است. صرف‌نظر از فقدان مبانی قابل اتکاء برای جرم‌انگاری علیحده افساد فی الأرض در دیدگاه مفسرین کتاب و فقهای امامیه و عامه، مطالعه بسترهای سوق دهنده قانونگذار به تسری این عنوان مجرمانه بدیع به جرایم اقتصادی، حاکی از غلبه دیدگاه‌های عوام‌گرایانه و ابزارگرایانه در قانونگذاری کیفری مرتبط با جرایم اقتصادی است. نوشتار توصیفی-تحلیلی حاضر بر این اعتقاد است که تأثیرپذیری از دیدگاه‌های مزبور، بروز چالش‌هایی عمده همچون اتخاذ رویکردهای سرکوبگر و عدم التفات به ویژگی‌های خاص جرایم اقتصادی و مرتکبین آن‌ها را موجب گردیده است.

کلیدواژه‌ها: افساد فی الأرض؛ عوام‌گرایی کیفری؛ جرایم اقتصادی؛ ابزارگرایی کیفری؛ سرکوبگری.

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران.

** استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران (نویسنده مسؤول).

*** استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران.

مقدمه

اقتصاد، نبض تپنده و قدرت هر جامعه است؛ به گونه ای که استحکام تمام بنیان ها، سیستم ها و نظام های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر اقتصاد کشور استوار می گردد (کوشا و دهقانی سانج، ۱۳۹۶: ۸۶). بین اقتصاد و حقوق از دیرباز ارتباط و تعامل وجود داشته است که با وقوع انقلاب صنعتی، این ارتباط و تعامل، از استحکام بیشتری برخوردار گردید. مستحکم تر گردید؛ چرا که با گسترش شیوه تولید انبوه و تغییر در ابزار و شیوه تولید، سرمایه اهمیت فراوان پیدا نمود و به حقوق به ویژه حقوق کیفری برای حمایت از این سرمایه داری نوین احتیاج بیشتری پیدا شد. شواهد نشان می دهد که حقوق کیفری عمدتاً به عنوان بستری برای رشد و گسترش صنعت و اقتصاد بوده است (آشوری و میرزایی، ۱۳۹۱: ۳۲). در هر کشوری، برای اعمال قوانین کیفری در خصوص اقتصاد و مقابله با جرایم اقتصادی، رویه ها و روش های متفاوتی اتخاذ و اعمال می شود که سیاست جنایی آن کشور را تشکیل می دهد (کوشا و دهقانی سانج، ۱۳۹۶: ۸۵). توسل به حقوق کیفری، هسته اصلی سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با جرایم اقتصادی است. مداخله کیفری قانونگذار در حوزه اقتصاد اگر بیش از دیگر حوزه ها نباشد، کمتر نیست. با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ برای اولین بار واژه «جرایم اقتصادی» در مواد گوناگون مطرح گردید. این قانون با ذکر آثار جدید کیفری از جمله عدم امکان تعلیق و تعویق مجازات، عدم شمول مرور زمان، الزام به انتشار حکم محکومیت قطعی و نیز پذیرش افساد فی الأرض^۱ در جرایم اقتصادی، رویکردی نوین مشتمل بر مترتب نمودن آثار کیفری شدید در راستای کاهش مزایای ارتکاب جرم و نیز ناتوان سازی مرتکبین، برای مبارزه با اینگونه جرایم اتخاذ نمود (میرخلیلی و حیدری، ۱۳۹۸: ۸۵-۸۴). در پژوهش پیش روی، با تمرکز بر تسری عنوان مجرمانه افساد فی الأرض به جرایم اقتصادی، به تحلیل بسترهای شکل گیری و نیز چالش های ناشی از آن خواهیم پرداخت؛ بر این اساس، پرسش اصلی مقاله پیش روی را می توان این گونه مطرح نمود که: مهمترین بسترهای سوق دهنده قانونگذار کیفری ایران نسبت به تسری عنوان مجرمانه افساد فی الأرض به جرایم اقتصادی چیست؟ علاوه بر پرسش اصلی مطرح شده، پرسش فرعی نیز از این قرار است که تسری افساد فی الأرض به

۱. قانونگذار در قوانین بعد از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۲، معمولاً عناوین محاربه و افساد فی الأرض را با یکدیگر استفاده می کرد و در مواردی هم که افساد فی الأرض را به صورت جداگانه استعمال می نمود، درصدد بود تا همان حکم محاربه را در مورد آن جاری سازد (میرمحمد صادقی و رحمتی، ۱۳۹۴: ۱۷).

جرایم اقتصادی، چه چالش هایی را در پی خواهد داشت؟ نظر به اینکه شناخت بسترها و زمینه های شکل گیری رویه های قانونگذاری و نیز چالش های مختلف مترتب بر آن ها، می تواند ضمن اصلاح رویه های مزبور از بروز خطاهای دوباره در فرآیندهای تقنینی در آینده نیز جلوگیری نماید، در این پژوهش هم تبیین بسترهای شکل گیری و نیز چالش های مترتب بر تسری عنوان مجرمانه افساد فی الأرض به جرایم مرتبط با فعالیت های اقتصادی (به عنوان یک رویه قانونی مسبوق به سابقه) با در نظر گرفتن هدف مزبور، از جانب نگارندگان انجام خواهد گردید. علاوه بر هدف اصلی گفته شده، نقش غیرقابل انکار نظام حقوقی به طور عام و نظام عدالت کیفری به طور خاص در هدایت و جهت دهی به محیط اقتصادی کشور و بار امنیتی عنوان مجرمانه افساد فی الأرض از یکسو و عدم امکان بهره گیری حداکثری از پاسخ های کیفری در جرایم اقتصادی از سوی دیگر و نیز فقدان انسجام تقنینی در خصوص جرایم فوق، از مهمترین دلایلی هستند که اهمیت و ضرورت انجام پژوهش پیش روی را توجیه می نمایند. ابزار گردآوری اطلاعات در این مقاله، استفاده از منابع کتابخانه ای (کتاب ها و مقالات فارسی، عربی و انگلیسی مرتبط با موضوع) و روش مورد استفاده نیز توصیفی-تحلیلی است؛ توصیفی بدین معنا که به توصیف و تبیین زمینه ها و بسترهای سوق دهنده مقنن نسبت به تسری عنوان مجرمانه افساد فی الأرض به جرایم اقتصادی پرداخته و تحلیلی از این حیث که چالش های مترتب بر وضعیت مزبور را از حیث ماهیت رویه های اتخاذ شده و نیز مؤلفه های اصلی جرایم اقتصادی و مرتکبین آن ها، مورد مذاقه و تحلیل قرار می دهد. در چهارچوب موضوع مقاله و مرتبط با آن، در میان پژوهش های انجام شده، آثاری به جامعه فقهی و حقوقی کشور عرضه گردیده که هرکدام با رویکردهای متفاوت، تلاشی در راستای تبیین عنوان فقهی افساد فی الأرض، استقلال یا عدم استقلال آن از جرم محاربه و نیز ارتباط آن با جرایم اقتصادی به عمل آورده اند. بعضی از مصنفین (برهانی، ۱۳۹۴)، با بررسی دوباره مبانی فقهی افساد فی الأرض و تحلیل رویکرد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، به این نتیجه رسیده اند که مستندات فقهی ذکر شده برای افساد فی الأرض، تکافوی اثبات چنین جرمی را نمی دهد و کاربرد گسترده آن در حقوق کیفری ایران، سایه سنگین مصلحت را بر پذیرش این تأسیس مشکوک فقهی گسترانده است؛ رویکرد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز چیزی جز استعمال گسترده عنوانی مبهم و مشکوک با عباراتی قابل تفسیر نیست و خطرهای بالقوه گسترده ای را علیه جامعه اسلامی و شهروندان آن ایجاد خواهد کرد. در مقابل برخی دیگر از حقوقدانان (حبیب

زاده، ۱۳۹۶)، پس از بررسی مبنای فقهی افساد فی الأرض و دلایل استقلال آن از منظر فقهی، به این نتیجه رهنمون گشته اند که ادعای فقدان عنوان «مفسد فی الأرض» در متون فقهی، خلاف واقع بوده و اقتضای حکم عقل، حفظ امنیت و جلوگیری از آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایجاب می کند که اقداماتی مانند قاچاق کالا و ارز که موجب برهم زدن امنیت اقتصادی و خروج جامعه از اعتدال گردیده و در عین حال مشمول جرائم مستوجب حد نیز نمیشود، جرم انگاری شود که مبنای فقهی آن عنوان افساد فی الأرض است. در این میان، برخی دیگر (فتوحی، ۱۳۹۸) پس از بررسی شرایط تحقق جرایم اقتصادی موضوع افساد فی الأرض، چگونگی تعیین کیفر، شیوه دادرسی و نیز پیشگیری از ارتکاب آن ها، در پایان به این نتیجه می رسد که با وجود اینکه در فقه، افساد فی الأرض به صورت موردی احصا شده است؛ لیکن در قانون مجازات اسلامی، به صورت گسترده، بسیاری از جرایم را دربر گرفته است و در پایان با توجه به شکسته شدن قبح فساد مالی، عدم توفیق نظام عدالت کیفری در مهار و کنترل جرایم اقتصادی و نیز عدم کارایی مجازات اعدام در این زمینه، پیشنهاد مینمایند که تجدیدنظر در سیاست جنایی فعلی و سنگین تر کردن وزنه اقدامات غیرکیفری و همچنین برخورد اصولی و قاعده مند با مفسدین اقتصادی، در سایه داشتن قوانین به روز و کارشناسی شده، در دستور کار قرار گیرد. وجه تمایز مقاله پیش روی با پژوهش های ارزشمند پیشین - که به نوعی بیانگر جنبه نوآورانه آن نیز هست - تمرکز بر تبیین بسترهای سوق دهنده قانونگذار و نظام عدالت کیفری ایران نسبت به تسری عنوان فقهی افساد فی الأرض به جرایم اقتصادی و تحلیل و ارزیابی چالش های مترتب بر این وضعیت، با مبنا قرار دادن بسترهای گفته شده است. پس از بیان مختصات پژوهش و به منظور برقراری ارتباط موضوعی میان مقدمه و مباحث اصلی، مطالعه اجمالی مفاهیم کلیدی، ضروری به نظر می رسد.

۱. مفاهیم و مبانی

شناسایی مفاهیم عمده در یک پژوهش، امری است که ممکن است در بدو نظر واجد اهمیت چندانی نباشد؛ اما واقعیت این است که بدون درک درست از مفاهیم یک نوشتار و رها نمودن مفاهیم از تردید و دوپهلویی، با مفهوم شناسی جامع، ورود در مباحث ماهوی پژوهش با

اشکالاتی همراه خواهد بود. تأکید نگارندگان بر مفهوم شناسی، نه صرفاً به منظور گردآوری برخی مفاهیم آشنا و در دسترس، بلکه گذر به یک مفهوم شناسی کاربردی است.

۱-۱. **جرم اقتصادی:** جرم اقتصادی، اصطلاحی عام برای طیف وسیعی از جرایم است، عنوانی که توانسته است به رغم تفاوت قابل توجه بسیاری از عناوین زیرمجموعه‌ی خود، همه را تحت شمول خود درآورد. اینگونه جرایم گاه برخی از جرایم علیه اموال هستند، گاه برخی از مصادیق جرایم علیه امنیت، گاه با تعبیری دیگر، جرایم علیه آسایش، جرایم علیه دولت و یا جرایم علیه سلامت را شامل می‌شوند (باوی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲). پروفیسور تراکمن جرم اقتصادی را به دو گروه کلی تقسیم می‌نماید: گروه اول، فعالیت‌های اقتصادی اساساً نامشروع و غیرقانونی و گروه دوم، جرایم ارتکاب یافته به منظور تحصیل سود در راستای فعالیت‌های اقتصادی که معمولاً پس از تأسیس قانونی تشکیلات اقتصادی اتفاق می‌افتد (دادخدایی، ۱۳۹۱: ۵۶).

برخی با ملاک قرار دادن گروه دوم از فعالیت‌های مورد اشاره، جرم اقتصادی را عبارت از به دست آوردن منافع و امتیازهای غیرقانونی اقتصادی توسط فعالان اقتصادی و در طی فعالیت اقتصادی دانسته‌اند (Davies, 2003: 287). برخی دیگر نیز علاوه بر مؤلفه‌های مورد اشاره، ارتکاب منسجم و سازمان یافته و برخوردار بودن مرتکبین جرم اقتصادی از موقعیت اجتماعی یا قدرت سیاسی را نیز در تعریف آن لحاظ نموده‌اند (Jose Rico, 2012: 21). به طور خلاصه می‌توان جرایم اقتصادی را مجموعه رفتارهایی تلقی نمود که کارکرد، الزامات و نظم نهادها و فرآیندهای نظام اقتصادی را دچار اختلال اساسی می‌کنند (حسنی و مهرا، ۱۳۹۴: ۵۲). ارتباط و نزدیکی جرم اقتصادی با فساد مالی، فساد اقتصادی، جرم تجاری یا بازرگانی و ... به گونه‌ای است که در برخی موارد همپوشانی داشته باشند (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲: ۱۶۸).

۲-۱. **افساد فی الأرض:** فساد را در لغت به تباہ شدن، نبود شدن، از بین رفتن، متلاشی شدن و نیز به معنای خرابی، فتنه، آشوب و شرارت آمده است (وطنی و فرهود، ۱۳۹۷: ۱۴۳)؛ برخی نیز فساد را بیرون رفتن چیزی از حد اعتدال و ضد صلاح دانسته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۷۶)؛ به نظر می‌رسد که تعریف اخیر، تعریف جامعی است که مصادیق دیگر فساد را نیز در خود جای می‌دهد. تتبع در آیات قرآن نیز مؤید این امر است؛ زیرا به رغم آنکه فساد در آیه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم: ۴۱) به معنای قحط و خشکی و در آیه «لَلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا» (قصص: ۸۳) به معنای گرفتن مال دیگری به

قهر و غلبه و به صورت ظالمانه و در آیه «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» (انبیاء: ۲۲) به معنای بطلان و اضمحلال به کار رفته است، لیکن قدر جامع همگی آن ها تحقق امری بر ضد صلاح و خارج شدن امر از حالت اعتدال است (بای، ۱۳۸۵: ۳۱؛ وطنی و فرهود، ۱۳۹۷: ۱۴۳). بر این مبنا، افساد فی الأرض را می توان عبارت از هر رفتاری دانست که در صورت شیوع، ضمن انهدام اجتماع و حیات اجتماعی (گلیپایگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ۳۱۶) و برهم زدن مسیر عادی و سلامت امنیتی یا اخلاقی یا اقتصادی جامعه، موجب تباهی در نظام آن شود (منتظری در کدیور، ۱۳۸۷: ۲۴۷؛ نقل از برهانی، ۱۳۹۴: ۲۰). پس از آشنایی مختصر با مفاهیم بنیادین پژوهش و با توجه به بستر فقهی افساد فی الأرض، ابتدا جرم انگاری آن به نحو مستقل (از محاربه) را از منظر مفسرین کتاب و فقهای امامیه و عامه بررسی نموده و سپس وارد مباحث اصلی مقاله خواهیم شد.

۲. جرم انگاری افساد فی الأرض از منظر مفسرین و فقها

عموم مفسرین معتقدند که محاربه و افساد فی الأرض در آیه ۳۳ سوره مائده^۱، دو عنوان جداگانه نیستند؛ زیرا «الذین» موصول است و «یحاربون الله و رسوله» صله و «یسعون فی الارض فساداً» عطف بر صله است و مجموع معطوف و معطوف علیه برای بیان یک حقیقت است (امامی کاشانی، ۱۳۷۲: ۹۰؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ق: ۶۳۸)؛ بنابراین مفسرین قرآن، هیچ کدام به استقلال عنوان «افساد فی الأرض» از «محاربه» اعتقادی نداشته و مفسد فی الأرض را وصف محارب می دانند (مرعشی، ۱۳۷۰: ۵۰-۴۹؛ امامی کاشانی، ۱۳۷۲: ۹۴-۹۳). در بین فقهای شیعه، از فقهای قدیم (شیخ مفید، ۱۴۳۰ق: ۸۰۲؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۱۳۵؛ مقدس اردبیلی، ۱۳۷۸ش، ج ۲: ۸۳۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۹۸ق، ج ۴: ۱۸۵) تا فقهای معاصر (بهجت، ۱۳۸۲ش و سیستانی، ۱۴۲۳ق، نقل از فتحی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۳۳۲؛ خوئی، ۱۳۹۵ش: ۳۱۸؛ موسوی اردبیلی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، استفتاء ۹۱۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۲: ۴۹۹) هیچ یک بین حکم کیفری

۱. «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جُزَاؤٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ». همانا کیفر آنان که با خدا و رسول به جنگ برخیزند و در زمین به فساد کوشند جز این نباشد که آن ها را به قتل رسانده، یا به دار کشند و یا دست و پایشان به خلاف یکدیگر بگردند و یا به نفی و تبعید از سرزمین (صالحان) دور کنند. این ذلت و خواری عذاب دنیوی آنهاست و اما در آخرت به عذابی بزرگ معذب خواهند بود.

محارب و مفسد فی الأرض، تفکیکی قائل نشده و حدّ مجزایی برای هریک از آن دو عنوان، ذکر نکرده اند. در بسیاری بلکه در همه آثار فقهی در دسترس، محاربه و افساد فی الأرض با تکیه بر آیه محاربه، یک مقوله و یک عنوان کیفری تلقی شده است (سالارزائی و افروشته، ۱۳۹۸: ۱۶۸). تنها یکی از فقها یعنی مرحوم ابن حمزه در تیتری، از عنوان «مفسد» استفاده کرده است (طوسی، ۱۴۰۸ق: ۴۲۳) که با مراجعه به کتاب مشاهده می شود که منظور ایشان از مفسد، همان محارب است (برهانی، ۱۳۹۴: ۲۲). فقها اتفاق نظر دارند که موضوع حکم اعدام، «محاربه بر پایه فساد در زمین»^۱ است، نه مجرد «فساد» و مطلق «فساد»؛ نصوص گرچه بر این حقیقت صراحت ندارند، اما به کمک اتفاق فتاوا و سیاق ادله به خوبی استفاده می شود که حکم مقرر برای محاربه، مرکب از دو جزء است: «محاربه» و «افساد»؛ بنابراین فساد در زمین، به تنهایی موضوع حکم و مجازات نیست^۲ (میرخلیلی و حیدری، ۱۳۹۸: ۸۶). کتب فقهی اهل سنت نیز مانند کتب فقهی شیعه، افساد فی الأرض را به عنوان یک باب مستقل بررسی نکرده است. بعضی از فقهای اهل سنت همانند برخی از فقهای شیعه، گاه به صورتی بسیار جزئی به افساد فی الأرض اشاره کرده اند. بنابراین اکثر فقهای اسلامی اعم از شیعه و سنی، هیچگونه دوگانگی میان محاربه و افساد فی الأرض قائل نیستند. در مقابل، عده ای از فقها و مفسران می گویند مفهوم افساد فی الأرض عام تر از محاربه است، به گونه ای که محاربه فقط یکی از موارد افساد فی الأرض است؛ اما آنچه بیشتر مسأله مورد بحث را دچار مشکل می کند این است که حتی آن عده از فقهای اسلامی که قائل به جدایی جرم افساد فی الأرض از محاربه هستند، مجازات معینی را برای مفسد فی الأرض معین نکرده اند (میرخلیلی و حیدری، ۱۳۹۸: ۹۴-۹۳). در مجموع به نظر می رسد که افساد فی الأرض، به دلیل عدم ذکر توسط فقها حتی در نوادر حدود و نیز عدم هماهنگی و تطابق ماهوی میان آن با حدود شناسایی شده، اساساً نمی تواند جرم مستقل موجب حد باشد؛ از طرفی با توجه به اینکه اجرای حدود و تعزیرات در موارد منصوصه، به تنهایی جهت تأمین نظم اجتماعی و امنیت عمومی کافی نیست، لذا دستگاه قانونگذاری که نائب قدرت عمومی است، باهدف جلوگیری از شیوع منکرات و قطع ماده فساد،

۱. امام خمینی (ره) از قائلین به این عقیده، اگرچه مستقلاً متعرض بحث افساد فی الأرض نشده است، لیکن در مبحث محاربه شرط اعمال کیفرهای چهارگانه مقرر در آیه ۳۳ سوره مائده را تحقق افساد فی الأرض می داند (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱ و ۲: ۸۹۰-۸۸۹).

۲. برای نظر مخالف ن.ک: حبیب زاده (۱۳۹۶) و سهرابی و مجیدی (۱۳۹۲).

با توجه به اقتضای زمانی و مکانی جامعه اقدام به وضع و اجرای مجازات مناسب می نماید. لذا با عنایت به مراتب بالا با توجه به اصل احتیاط در دما و قاعده درء می توان گفت افساد فی الأرض عنوانی است کلی و مقصود از آن، معنای عام افساد است که موضوع هیچ جرم خاصی نیست؛ بر این اساس به نظر می رسد پذیرش چنین عنوانی در نظام قضایی تقنینی و پیشبینی مجازات اعدام برای آن خلاف احتیاط است (وطنی و فرهود، ۱۳۹۷: ۱۵۹-۱۵۸). در هر صورت حال که عنوان مجرمانه افساد فی الأرض، به طور مستقل در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ جرم انگاری و برای آن کیفر سالب حیات پیش بینی شده است و یکی از مصادیق آن به موجب ماده ۲۸۶ اخلال در نظام اقتصادی کشور به طور گسترده می باشد، بنابراین بایستی در قدم نخست، به مطالعه بسترهای شکل گیری آن در مورد جرایم اقتصادی پرداخته شود.

۳. بسترهای تسری افساد فی الأرض به جرایم اقتصادی

رویکرد امنیت گرا به جرایم اقتصادی از جانب قانونگذار کیفری ایران و به تبع آن تصویب مقرراتی همچون ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و سایر قوانین پراکنده، نتیجه مجموعه عوامل و بسترهایی است که بدون تصریح و به تدریج به عنوان مبنا در قانونگذاری کیفری کشور مورد پذیرش قرار گرفته است. «عوام گرایی کیفری» و «ابزارگرایی کیفری» را می توان از مهمترین این بسترها قلمداد نمود که در این قسمت به مطالعه آن ها و نحوه تأثیرگذاری شان بر متغیر اصلی مورد مطالعه (تسری افساد فی الأرض به جرایم اقتصادی) خواهیم پرداخت.

۳-۱. عوام گرایی کیفری:

پیش از ورود به بحث عوام گرایی، ذکر این نکته ضروری است که آنچه در این قسمت مورد نظر نگارندگان است، نه مطالعه زمینه ها و بسترهای ظهور عوام گرایی در جرایم اقتصادی^۱ که تبیین و تحلیل عوام گرایی به مثابه بستری برای بروز رویکردهای امنیت گرا در جرایم اقتصادی است که تسری عنوان افساد فی الأرض به جرایم مزبور، مصداقی از امنیت گرایی فوق الاشاره است. به طور کلی، از مؤلفه های اصلی جامعه دموکراتیک، بها دادن به افکار عمومی پیرامون مسائل مختلف جامعه است و امروزه تمرکز بر افکار عمومی به عنوان پایه سیاست گذاری ها به ویژه سیاست گذاری کیفری، رکن اصلی اندیشه های سیاسی محسوب می شود. از طرف دیگر،

۱. در این خصوص ن.ک: الهی منش، محمدرضا و تقی زاده، محرم (۱۳۹۷).

مداخله ساختار سیاسی در حوزه سیاست کیفری، حقوق کیفری را به مسأله مهم اجتماعی با کارکرد تبلیغاتی و سیاسی تبدیل کرده است. این دو مؤلفه اساسی (تمرکز بر افکار عمومی و دخالت ساختار سیاسی) رویکرد بدیع و جدیدی را با نام «عوام گرایی کیفری» به وجود آورده است. اتخاذ سیاست های کیفری، همسو و همگام با پنداشته های عمومی، ناشی از همین رویکرد است (قماش و احمدی، ۱۳۹۷: ۱۳). به طور خلاصه می توان عوام گرایی کیفری را رویکردی قلمداد نمود است که براساس آن، متولیان سیاست جنایی به منظور جلب رضایت افکار عمومی، سیاست ها و برنامه هایی که فاقد مبنای علمی و کارشناسی هستند را تدوین و اجرا می نمایند (رابرتز و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲). مهمترین علل ظهور این رویکرد را می توان در تأثیر عواملی مانند رسانه ای شدن جرم، افزایش ترس و ناامنی، ناامیدی نسبت به الگوهای اصلاح و درمان و تشدید رقابت های انتخاباتی مشاهده کرد (مقدسی و فرجیها، ۱۳۹۲: ۱۱۴). بدیهی است که چند بُعدی بودن جرایم اقتصادی، ظهور سیاست عوام گرایانه کیفری را بسیار ممکن و محتمل می نماید. این رویکرد با ارائه تصویری خطرناک از مجرمان اقتصادی و نشر اخبار و تبلیغ گسترده، مقابله کیفری با آن ها را توجیه می کند و از این طریق، بکارگیری هر وسیله ای در سیاست کیفری مباح می گردد (باوی و همکاران، ۱۳۹۹، صص ۲۰-۱۹)؛ در چنین شرایطی، ضمانت اجراهای تعیین شده دارای تناسب با ماهیت جرایم نبوده و افراط در تعیین میزان کیفر، سیاست کیفری تقنینی را با انتقادات جدی مواجه خواهد ساخت. به ویژه آنکه در موارد متعددی غلبه رویکردهای سختگیرانه غیرعلمی بر این حوزه منجر به امنیتی شدن و در حکم حدی دانستن بسیاری از جرایم تعزیری شده است (حسینی و اسمعیل زاده، ۱۳۹۴: ۲۱۰). افساد فی الأرض تلقی کردن محکومین جرایم اقتصادی با توجه به شرایط مقرر در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حکایت از تأثیرپذیری قانونگذار ایران از دیدگاه های (دشمن محورانه ی) ^۱ عوام گرا در جرایم اقتصادی دارد (الهی منش و تقی زاده، ۱۳۹۷،

۱. از آنجایی که سیاست های مبتنی بر عوام گرایی کیفری، مبنای علمی نداشته و کارآمد نیستند، در درازمدت نمی توانند به حیات خود ادامه دهند؛ از این رو سیاستمداران تلاش می کنند به انحای مختلف از زیر بار پذیرش مسؤولیت شکست فرار کنند. ترسیم دشمن فرضی و گذاشتن بار مسؤولیت شکست بر عهده آن از مهمترین راهکارهاست (مقدسی، ۱۳۹۰: ۸۱)؛ استفاده از راهکارهایی که موجب حذف دائمی یا موقتی دشمن (مجرم) می شود مانند اعدام و حبس های طولانی مدت، رایج ترین پیشنهاد عوام گرایی کیفری برای رفع خطر است. استفاده از اصطلاحاتی مانند «جنگ علیه جرم»، «جنگ علیه مواد مخدر» و «جنگ علیه تروریسم» نیز در همین راستا و به منظور تهییج مردم در مبارزه با مجرمین (به مثابه دشمنان اجتماع) صورت می گیرد (مقدسی، ۱۳۹۰: ۸۴). این اصطلاحات، ضمن تمرکز بر جرایمی که بر افکار عمومی تأثیر می

ص ۱۲۵)؛ چنین رویکردی، ضمن افراط در اتخاذ ساز و کارهای کیفری، غفلت از راهبردهای غیرکیفری و پیشگیرانه را نیز موجب گردیده است.

۳-۲. ابزارگرایی کیفری

ابزارگرایی کیفری یعنی استفاده از مقولات کیفری به عنوان در دسترس ترین ابزار، برای دستیابی به هر هدف و مصلحتی به منظور حل یا تسکین سریع و آسان یک مسأله بدون در نظر گرفتن اصول مسلم حقوقی و اخلاقی (رحمانیان و حبیب زاده، ۱۳۹۲: ۶۳) ابزارگرایی در این معنا، در مقابل سزاگرایی یا مکافات گرایی^۱ قرار خواهد گرفت. ابزارگرایی کیفری، یک روش و رویه است؛ رویه ای که در آن، از کیفر استفاده ابزاری می گردد. این رویه، محدود به حوزه جرم انگاری و به کیفرسازدن نیست؛ بلکه حوزه بسیار وسیعتری را در برمی گیرد که شامل استفاده ابزاری از کلیه نهادها، ساختارها، مفاهیم، آمار جنایی و حتی زبان و گفتمان کیفری نیز می شود. به طور کلی، در هر موردی که توسل به ابزار کیفری، «آخرین راهکار» نباشد، استفاده زودتر از موعد از آن، با جمع سایر شرایط، نوعی ابزارگرایی کیفری خواهد بود. ابزارگرایی کیفری با انگیزه حل یا تسکین سریع و آسان یک مسأله و با نادیده انگاشتن اصول مسلم حقوقی صورت پذیرفته و با این قبیل استدلال ها که «مصلحت اقتضا می کند» و «توسل به مقولات کیفری، در عمل نتیجه بخش است»، توسل به کیفر توجیه می شود (رحمانیان و حبیب زاده، ۱۳۹۲: ۶۶-۶۳). در جرایم اقتصادی، پذیرش حقوق کیفری به عنوان یک ابزار، نتایج در خور توجه در پی خواهد داشت؛ همچنانکه دانش «ریاضی کاربردی» به عنوان ابزاری برای دانش اقتصاد شناخته می شود، حقوق کیفری نیز کاربردی ابزارگونه برای دولت خواهد داشت؛ بر این اساس، حقوق کیفری ابزاری برای برقراری نظم اقتصادی در جامعه و مقابله با جرائم اقتصادی (افراسیابی و مصطفی زاده، ۱۳۹۳: ۲۳) خواهد بود. از آنجا که اولین حامی نظام اقتصادی، خود

گذارد (مانند برخی مصادیق جرایم اقتصادی) به عنوان استعاره ای به کارگرفته می شود که هدف «مردمی کردن شدت کنترل» را دنبال می کند (دلماز مارتی، ۱۳۸۸: ۱۰۰۹).

۱. از دیدگاه سزاگرایان، آنچه لزوم تحمیل کیفر را توجیه می نماید، پیامدهای حاصل از اجرای مجازات نیست (Duff, 2011:3)؛ دستاوردهای فردی و اجتماعی حاصل از سیاست کیفری، اگرچه بدون تردید اموری قابل توجه محسوب می گردند، لیکن تنها پیامدهایی هستند که بر اجرای کیفر مترتب گردیده و توانایی توجیه مشروعیت اصل مجازات را ندارند به دیگر سخن، از نگاه مکافات گرایان همواره حق مقدم بر خیر بوده و حق کیفر از نقض قانون و تجاوز به اصول اخلاقی سرچشمه می گیرد (جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۱: ۶۲).

علم اقتصاد و آخرین حامی آن، حقوق جزا می تواند باشد (عباسی، ۱۳۹۵: ۳). لذا در جرایم اقتصادی، استفاده از ساز و کارهای کیفری هنگامی مجاز است که مکانیسم های غیرکیفری، تکافوی مقابله با این جرایم را ننماید؛ بنابراین در نظر گرفتن شدیدترین نوع واکنش کیفری (سلب حیات)^۱ برای مرتکبین جرائم اقتصادی تحت شرایط خاص - صرفنظر از فقد مبانی توجیهی در فقه که پیشتر اشاره گردید- به وضوح بیانگر تأثیرپذیری قانونگذار ایرانی از رویکردهای مبتنی بر ابزارگرایی کیفری است. با فرض پذیرش اعمال کیفر سالب حیات برای اخلال گسترده در نظام اقتصادی (تحت شرایط مقرر در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و سایر قوانین متفرقه همچون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹)^۲، چنانچه تسری عنوان افساد فی الأرض و کیفر مترتب بر آن به جرایم اقتصادی، نه به عنوان آخرین راهکار، بلکه به عنوان در دسترس ترین ابزار موجود و در راستای مختومه شدن سریع پرونده و بدون توجه به اصول و موازین مسلم حقوقی صورت پذیرد، بازهم حکایت از غلبه نگاه ابزارگرایانه از حقوق کیفری داشته و تهدیدی برای موازین دادرسی منصفانه و موجب تحدید حقوق و آزادی های اشخاص خواهد بود. حال که بسترهای تسری افساد فی الأرض به جرایم اقتصادی را مورد واکاوی تحلیلی قرار دادیم، در گام بعدی و نهایی، بایستی چالش های مترتب بر وضعیت مزبور را ارزیابی نماییم تا از این طریق به شناخت نسبتاً جامعی از ابعاد و مختصات موضوع نائل شویم.

۱. علیرغم سابقه چهار هزار ساله در استفاده از مجازات های شدید از جمله کیفر مرگ یا اخراج بزهکاران از جامعه (نیازپور، ۱۳۸۷، ۱۱۴). امروزه این مجازات ها، از منظر کیفرشناسی مورد نقد گسترده قرار گرفته و در حقوق برخی کشورهای از جمله فرانسه، آمریکا و انگلستان، حتی در مورد جرم اقتصادی کلان نیز مورد استفاده قرار نگرفته است (بنی نعمیه و وروایی، ۱۳۹۷: ۶۶).

۲. علاوه بر قانون مورد اشاره، در سایر قوانین خاص کیفری از جمله قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۳/ ۸/ ۶۷، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۵/ ۹/ ۶۷، ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس و وارد کنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول مصوب ۲۹/ ۱/ ۱۳۶۹، قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۹/ ۱۰/ ۸۲، قانون مجازات عبوردهندگان اشخاص غیرمجاز از مرزهای کشور مصوب ۱۳۶۷، قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان مصوب ۲۳/ ۱۱/ ۱۳۶۷، قانون مجازات فعالیت کنندگان غیر مجاز در امور سمعی و بصری مصوب ۱۳۸۶ و قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۲۸/ ۴/ ۸۳ و ... بعضاً عنوان «افساد فی الأرض» آمده و مرتکب آن شایسته مجازات دانسته شده است.

۴. چالش های تسری افساد فی الأرض به جرایم اقتصادی

با توجه به آنچه در مورد بسترهای تسری افساد فی الأرض به جرایم اقتصادی گفته شد، از نظر نگارندگان، چالش های مترتب بر وضعیت مزبور را می توان ذیل دو مبحث عمده «غلبه رویکردهای سرکوبگر» و «عدم التفات به ویژگی های خاص جرایم اقتصادی و مرتکبین آن ها» تقسیم بندی و به مطالعه و تحلیل آن ها مبادرت نمود.

۴-۱. غلبه رویکردهای سرکوبگر

با نفوذ عوام گرایی و ابزارگرایی به حوزه عدالت کیفری، شاهد ظهور سیاست هایی هستیم که در تدوین آن ها، اهداف سیاسی و عامه پسند بر یافته های علمی ارجحیت یافته است. غلبه رویکردهای سرکوبگر را می توان یکی از مهمترین مصادیق این سیاست ها برشمرد. آنچه از بررسی سوابق تقنینی در کشور به دست می آید، گواه این مدعاست که همواره جنبه های تنبیهی و سزا دهنده در مقابله با جرایم مختلف، برتری و غلبه داشته و سیاست جنایی بیشتر رنگ و بوی سیاست کیفری را به خود گرفته (الهی منش و تقی زاده، ۱۳۹۷: ۱۲۹) بطوریکه تعداد پرونده های مطروحه در دادسراها، مشکلات زندانیان، آمار احکام اعدام و ... آنقدر از استانداردها فاصله گرفته که این امر حتی از جانب خود مقنن نیز مورد انتقاد قرار گرفته است (زرنشان و شجاعی نصرآبادی، ۱۳۹۶: ۳۴۲). با قلمداد نمودن اخلال گسترده در نظام اقتصادی کشور به عنوان مصداقی از افساد فی الأرض در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و سایر قوانین پراکنده و مترتب نمودن شدیدترین واکنش کیفری (سلب حیات) در قبال آن، به نظر می رسد سیاست جنایی موجود در قبال جرایم اقتصادی، از سیاست کیفری مرسوم (با مشکلات اشاره شده) نیز فاصله گرفته و به سمت اتخاذ رویکردهای سرکوبگر صرف متمایل گردیده است. زدن برجسب امنیتی مفسد فی الأرض به متهم اقتصادی در کیفرخواست صادره و تعقیب اهداف سرکوب گرایانه در فرآیند رسیدگی، قطعاً توانایی متهم، وکلای مدافع وی و حتی سایر متداعیین، برای هدایت جریان پرونده در مسیر دادرسی منصفانه را کاهش خواهد داد. به بیان دیگر، هرچند مفاهیمی همچون «حقوق متهم» و «دادرسی منصفانه» در بدو امر، مورد توجه کنشگران قانونی و قضایی دخیل در پرونده قرار می گیرد، لیکن تأثیرپذیری مفاهیم مزبور از اهداف و رویکردهای سرکوب محور تعریف شده، بازتعریف مجدد آن ها از زاویه اهداف رویکردهای مزبور را موجب خواهد گردید.

۴-۲ عدم التفات به ویژگی های خاص جرایم اقتصادی و مرتکبین آن ها

اتخاذ رویه امنیت گرا در مقابله با جرایم اقتصادی و تلقی مرتکبین آن ها به عنوان مفسدین فی الأرض با وجود اینکه نوعی تلاش در جهت تسکین افکار عمومی و نشان دادن صلابت قانون و اقتدار دستگاه قضایی است، همچنان محل چالش و مناقشه است؛ چرا که این رویکرد از مؤلفه های خاص مرتبط با جرایم اقتصادی و مرتکبین آن ها غفلت ورزیده است؛ توضیح مطلب اینکه جرایم اقتصادی به دلیل دارا بودن ویژگی های خاص^۱، قابل مقایسه با سایر جرایم نیستند. مهمترین ویژگی جرایم اقتصادی، پویایی آنهاست؛ بدین معنی که همگام با تحولات و تغییرات جامعه مدرن، متحول می شوند که این امر، باعث تسهیل دور زدن موانع قانونی توسط مرتکبین اینگونه جرایم و نیز گستردگی آثار و خسارات حاصله از آن خواهد بود^۲ (زمانی و اعظمی مقدم، ۱۳۸۹: ۹۹).

علاوه بر این ها، مرتکبین جرایم اقتصادی نیز افرادی حرفه ای، زیرک و دارای نفوذ هستند که با کمک دانش و اطلاعات مخصوص در زمینه امور اداری و اقتصادی، مرتکب جرم شده (خدائیان چگنی، ۱۳۹۱: ۳۴) و از روش های پیچیده ای برای رسیدن به اهداف خود استفاده می کنند؛ به گونه ای که اکثر این افراد دارای چندین هویت، چندین شرکت صوری، سیستم های حسابداری پیچیده و پاکسازی درآمدهای شان از طریق شرکت های قانونی می باشند (نظری نژاد و اسفندیاری فر، ۱۳۹۵: ۲۰۰). نظر به عدم تمایل محاکم به استفاده از کیفر سالب حیات در احکام صادره به طور عام (میرخلیلی و حیدری، ۱۳۹۸: ۹۴) و عطف توجه به این نکته که محکوم علیه در جرایم اقتصادی (بخصوص جرایم حوزه کسب و کار) ضمن عدم تحمل برچسب کیفری و انتشار حکم محکومیت^۳، به انحاء مختلف (از واخواهی، تجدیدنظرخواهی و اعاده دادرسی گرفته تا نفوذ در دستگاه قضایی)، سعی در اخذ برائت، منع تعقیب و یا عفو خود

۱. جرایم اقتصادی برخلاف جرایم خشونت آمیز، ویژگی های خاص خود را دارد که رؤیت پذیری اندک، رقم سیاه بالا، پویایی، گستردگی دامنه خطر و برخورداری از اطلاعات خاص از مهمترین آنهاست (ابراهیمی و صادق نژاد نایینی، ۱۳۹۲: ۱۶۳-۱۵۵).

۲. با توجه به حقیقت مزبور است که برخی صاحب نظران (Larguier & Conte, 2004 : 25) بر این اعتقادند که در جرایم اقتصادی، نیاز به احراز عنصر روانی نیست و این عنصر باید توسط مقام رسیدگی کننده، مفروض تلقی گردد.

۳. از جمله بدیهیات حقوق کیفری کسب و کار این است که انتشار حکم محکومیت، نوعی خدشه به اصل اعتماد و روابط مشتریان با شرکت خاطی قلمداد می شود (جعفری، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

خواهد نمود، بنابراین علاوه بر تسهیل فرار مرتکب از مجازات قانونی مقرر به دلیل شدت آن، بازدارندگی کیفر نیز به دلیل عدم همسویی میان سیاست جنایی قضایی با سیاست جنایی تقنینی (میرخلیلی و حیدری، ۱۳۹۸: ۹۵) کاهش یافته و یا از بین خواهد رفت؛ شاید به این دلیل برخی صاحب‌نظران (Booth, 2007: 35) ضمن تأکید بر اعمال رویه های کیفرزدایی از جرایم اقتصادی، معتقدند که عمل نمودن برخلاف رویه های مزبور، موجب زایل شدن امنیت اقتصادی می گردد؛ بنابراین سیاست جنایی درست اقتضا می کند که قانونگذار با توسل به شیوه های کیفری سلبی مثل کیفرزدایی از فعالیت های اقتصادی، سایه های حقوق کیفری بر اینگونه فعالیت ها را کوتاه کند (جعفری، ۱۳۹۵: ۹۸-۹۷).

نتیجه گیری

با وجود فقدان مبانی متقن فقهی و وجود چالش های نظری گسترده، قانونگذار نهایتاً به موجب ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مبادرت به جرم انگاری افساد فی الأرض به طور مستقل از محاربه کرده و اخلال در نظام اقتصادی کشور به طور گسترده را به عنوان یکی از مصادیق آن مقرر نمود. به نظر می رسد تأثیرپذیری قانونگذار از رویکردهای عوام گرا و ابزارگرا به حقوق کیفری، نقشی غیرقابل انکار در اتخاذ این رویه در قانونگذاری کیفری مرتبط با جرایم اقتصادی داشته است. اگرچه واکنش کیفری قاطع در قبال جرایم اقتصادی ارتكابی در سطح کلان، نقشی غیرقابل انکار در فرآیند مبارزه با مفساد اقتصادی به طور عام و ایجاد احساس عدالت در کنشگران اقتصادی و افکار عمومی ایفا می نماید، لیکن زیاده روی در شدت واکنش کیفری و غفلت از حتمیت و بازدارندگی آن، در جهت معکوس عمل نموده و به نقض غرض قانونگذار منجر خواهد گردید. تحلیل مهمترین تبعات مترتب بر رویه ی قانونگذاری مبتنی بر تسری افساد فی الأرض به جرایم اقتصادی نیز مؤید همین نکته می باشد؛ افراط در اتخاذ ساز و کارهای کیفری، غلبه رویکردهای سرکوبگر، مترتب نمودن شدیدترین واکنش جزایی موجود (سلب حیات) در قبال جرایم اقتصادی، عدم تناسب میان ماهیت جرم و ضمانت اجرای مقرر، الصاق برچسب امنیتی مفسد فی الأرض به متهم اقتصادی توسط رسانه ها و یا کیفرخواست صادره توسط مدعی العموم، تعقیب اهداف سرکوب گرایانه در فرآیند رسیدگی متناسب با برچسب کیفری الصاق شده، کاهش توان و امکان متهم و سایر متداعیین برای هدایت پرونده

در مسیر دادرسی منصفانه از یکسو و غفلت از ویژگی های خاص جرایم اقتصادی و مرتکبین آن ها، عدم تمایل اکثریت محاکم به استفاده از کیفر سالب حیات، فقدان همسویی میان سیاست جنایی قضایی با سیاست جنایی تقنینی، تسهیل فرار مرتکب از مجازات قانونی مقرر به دلیل شدت آن و کاهش بازدارندگی کیفر از سوی دیگر را می توان از مهمترین چالش هایی برشمرد که جملگی معلول عدم شناخت کافی قانونگذار کیفری از ماهیت اقتصاد، فعالیت اقتصادی و در نهایت جرم و مجرم اقتصادی است. تجارب عملی مکرر در سطوح مختلف تقنینی، قضایی و اجرایی مرتبط با جرایم اقتصادی نیز مؤید این واقعیت است که حل مقابله سنجیده با این دسته از جرایم، بیش از هرچیز نیازمند پیش بینی و بکارگیری ضمانت اجرای متنوع و متناسب کیفری، اداری، مدنی و ترمیمی است. با توجه به صراحت مقرر در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و اهمیت جرایم اقتصادی ارتكابی در سطح کلان و تا زمان اصلاح احتمالی ماده مزبور، پیشنهاد می گردد ضمن افزایش نظارت از جانب مدیریت ارشد دستگاه قضا نسبت به صدور احکام سالب حیات مرتبط با اخلال گسترده در نظام اقتصادی کشور، نظارت مزبور در قالب بخشنامه، دستورالعمل و حتی صدور رأی وحدت رویه، نهادینه و دارای ضمانت اجرا گردد. در سطح مدیریت میانی دستگاه قضا نیز پیشنهاد می گردد که از توانایی های قضات مجرب و آشنا به موازین اقتصاد و حقوق اقتصادی، در دادرسی پرونده های مهم و کلان اقتصادی بهره گرفته شود تا ضمن رسیدگی دقیق به تمامی جوانب امر، از نادیده انگاشتن موازین مسلم حقوقی و دادرسی منصفانه در سایه ملاحظات امنیت محور، جلوگیری به عمل آید.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

افراسیابی، محمد اسماعیل و مصطفی زاده، فهیم (۱۳۹۳)، «بررسی رویکرد ابزارگرا به حقوق کیفری ایران در پرتو قانون اساسی»، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، دوره ۱۹، شماره ۶۸، صص ۴۶-۱۹.

امامی کاشانی، محمد (۱۳۷۲)، «بررسی نظرات فقهی شورای نگهبان»، فصلنامه رهنمون، شماره ۴ و ۵، صص ۹۴-۹۰.

- الهی منش، محمدرضا و تقی زاده، محرم (۱۳۹۷)، «سیاست عوام گرایانه در مبارزه با جرایم اقتصادی با تأکید بر نقش پلیس»، فصلنامه کارآگاه، سال ۱۱، شماره ۴۳، صص ۱۳۴-۱۲۰.
- آشوری، محمد و میرزایی، اسدالله (۱۳۹۱)، «حقوق کیفری و توسعه اقتصادی - صنعتی»، دو فصلنامه آموزه های حقوق کیفری، سال ۲، شماره ۴، صص ۳۴-۳.
- باوی، علیرضا و گلدوست جویباری، رجب و غلامی، حسین (۱۳۹۹)، «آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در حوزه جرایم اقتصادی»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، دوره ۱۶، شماره ۱ (پیاپی ۴۳)، صص ۳۲-۱۱.
- باوی، حسینعلی (۱۳۸۵)، «افساد فی الأرض چیست، مفسد فی الأرض کیست؟»، فصلنامه حقوق اسلامی (فقه و حقوق سابق)، شماره ۹، صص ۵۷-۲۹.
- برهانی، محسن (۱۳۹۴)، «افساد فی الأرض: ابهام مفهومی، مفسد عملی (تحلیل حقوقی ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی)»، دو فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۲، شماره ۲ و ۳، صص ۴۴-۱۹.
- بنی نعیمه، عیسی و وروایی، اکبر (۱۳۹۷)، «جستاری بر راهبردهای کنترل کیفری جرایم حوزه کسب و کار»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۷۷-۵۳.
- جعفری، امین (۱۳۹۳)، «حقوق کیفری کسب و کار»، چاپ اول، تهران: انتشارات شهردانش.
- جعفری، مجتبی (۱۳۹۵)، «کیفرزدایی از جرایم کسب و کار»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۰، صص ۱۱۹-۹۵.
- جوان جعفری، عبدالرضا و ساداتی، سید محمد جواد (۱۳۹۱)، «سزایابی در فلسفه کیفر»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال سوم، شماره اول، صص ۸۱-۵۹.
- حبیب زاده، محمدجعفر (۱۳۹۶)، «امکان سنجی حکم فساد فی الأرض بر قاچاقچی کالا و ارز از منظر فقهی»، دو ماهنامه اقتصاد پنهان، سال ۲، شماره ۱ و ۲، صص ۱۹۷-۱۴۹.
- حسینی، جعفر و مهرا، نسرین (۱۳۹۴)، «نقدی بر مفهوم «جرم اقتصادی» در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)»، دو فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۲، شماره ۲ و ۳، صص ۶۹-۴۵.
- حسینی، سید حسین و اسمعیل زاده، لیدا (۱۳۹۴)، «جنبه های عوام گرای سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۱۴، شماره ۵۴، صص ۲۴۱-۲۰۱.
- خدائیان چگنی، ذبیح اله (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی نهادهای نظام عدالت کیفری فرانسه و ایران در مقابله با جرایم اقتصادی»، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره ۴، شماره ۲ (پیاپی ۷)، صص ۵۸-۳۱.

- دادخدایی، لیلا (۱۳۹۱)، «مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن»، فصلنامه تعالی حقوق، سال ۲، شماره ۶، صص ۴۵-۷۰.
- دلماش مارتی، میری (۱۳۸۸)، پارادایم جنگ علیه جرم، مشروع ساختن امر غیرانسانی، ترجمه روح الله کُرد علیوند، زیر نظر علی حسین نجفی ابرنآبادی، کتاب تازه های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، چاپ نخست، تهران: انتشارت میزان.
- رابرتز، جولیان وی و استالانز، لورتا جی و ایندرمار، دیوید و هاف، مایک (۱۳۹۲)، عوام گرایی کیفری و افکار عمومی: درس هایی از پنج کشور، ترجمه زینب باقری نژاد، سودابه رضوانی، مهدی کاظمی جویباری و هانیه هژیرالساداتی، چاپ اول، تهران: انتشارت میزان.
- رحمانیان، حامد و حبیب زاده، محمد جعفر (۱۳۹۲)، «بزارگرایی کیفری: قلمرو، مفهوم و شاخص ها»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال ۲، شماره ۵، صص ۴۷-۷۱.
- زرنشان، شهرام و شجاعی نصرآبادی، محمد (۱۳۹۶)، «تبیین جرم انگاری حداقلی از منظر اخلاقی»، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۳۲۷-۳۴۴.
- زمانی، علی اکبر و اعظمی مقدم، مجید (۱۳۸۹)، «تسهیلات غیرمجاز بانکی، موانع و چالش های مبارزه»، فصلنامه کارآگاه، دوره ۲، سال ۳، شماره ۱۱، صص ۸۴-۱۰۸.
- سالارزائی، امیرحمزه و افروشته، جمیله (۱۳۹۸)، «تحلیل تفکیک بین محاربه و افساد فی الارض در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، فصلنامه جستارهای اصولی و فقهی، سال ۵، شماره پیاپی ۱۴، صص ۱۶۷-۱۸۹.
- سهرابی، منصوره و مجیدی، حسن (۱۳۹۳)، «بررسی تفسیری رابطه «افساد فی الأرض» با «محاربه» با تأکید بر آیه ۳۳ مائده»، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال ۴، شماره ۱۶، صص ۹۳-۱۱۲.
- عباسی، حمید (۱۳۹۵)، «سیاست کیفری ایران نسبت به جرایم اقتصادی»، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، سال ۲، شماره ۴، صص ۱-۲۳.
- فتحی، حجت الله (۱۳۹۳)، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
- قماشی، سعید و احمدی، انور (۱۳۹۷)، «بسترهای پیدایش عوام گرایی در دادرسی کیفری»، فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده، دوره ۲، شماره پیاپی ۴، صص ۱۱-۵۰.
- کدیور، محسن (۱۳۸۷)، حق الناس، چاپ دوم، تهران، انتشارات کویر.
- کوشا، جعفر و دهقانی سانج، محمدرضا (۱۳۹۶)، «سیاست جنایی در جرایم اقتصادی»، فصلنامه دانش حقوق و مالیه، سال ۱، شماره ۲، صص ۸۵-۱۰۱.

مرعشی، سید محمدحسن (۱۳۷۰)، «فساد فی الأرض از دیدگاه قرآن و روایات و عقل»، **مجله حقوقی دادگستر**، شماره ۲، صص ۴۳-۵۶.

مقدسی، محمدباقر و فرجیها، محمد (۱۳۹۲)، «ویژگی های سیاست کیفری عوام گرا؛ مطالعه تطبیقی»، **فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی**، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۳۷-۱۵۵.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق)، **استفتائات مکارم**، ج ۲، چاپ دوم، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).

موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۳۹۲)، **گنجینه استفتائات قضایی**، چاپ اول، قم: انتشارات نجات. موسوی خمینی، امام سید روح الله (۱۴۲۱ق)، **تحریر الوسیله**، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

میرخلیلی، سید محمود و حیدری، مسعود (۱۳۹۸)، «بررسی مبانی فقهی اعدام مجرمان اقتصادی»، **دوفصلنامه علمی فقه مقارن**، سال ۷، شماره ۱۴، صص ۸۳-۱۰۴.

میرسعیدی، سید منصور و زمانی، محمود (۱۳۹۲)، «جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟»، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، سال ۲، شماره ۴، صص ۱۶۷-۱۹۹.

میرمحمد صادقی، حسین و رحمتی، علی (۱۳۹۴)، «مصادیق عدول از اصول کلی حقوق کیفری در جرائم علیه امنیت»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۷۶، صص ۳۲-۵.

نظری نژاد، محمدرضا و اسفندیاری فر، خشایار (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی کنوانسیون بین المللی مبارزه با فساد مالی و قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد»، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، سال ۷، شماره ۱، صص ۲۱۵-۱۹۱.

نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۷)، «محرومیت از حقوق اجتماعی در لایحه «مجازات های اجتماعی جایگزین زندان» جلوه ای از کارکرد توان گیرانه کیفرهای اجتماع محور»، **مجله حقوقی دادگستری**، دوره جدید، شماره ۶۴، صص ۱۳۰-۱۱۳.

وطنی، امیر و فرهود، نغمه (۱۳۹۷)، «ضرورت بازنگری در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ براساس دیدگاه های امام خمینی (ره)»، **پژوهشنامه متین**، سال ۲۰، شماره ۷۹، صص ۱۶۳-۱۴۱.

ب) منابع عربی

ابوالفتوح رازی، عبدالمنعم (۱۳۹۸ق)، **تفسیر الروض الجنان و روح الجنان**، تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.

تسرى افساد في الأرض به جرایم اقتصادی: بسترها و چالش ها

- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **المفردات في الغرائب القرآن**، تحقيق سيد محمد گیلانی، چاپ نخست، بیروت: انتشارات دار العلم - الدار الشامیة.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، **جامع البيان في تفسير القرآن**، بیروت: دارالمعرفة.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۲ق)، **تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسيله (کتاب الحدود)**، قم: مرکز فقه الاثمه الأطهار علیهم السلام.
- گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۲ق)، **الدر المنضود في احكام الحدود**، چاپ اول، قم: انتشارات دارالقرآن الکریم.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۳۰ق)، **المقنعه**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی جامعه مدرسین.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۷۸)، **زبدۃ البیان فی براهین احکام القرآن**، چاپ دوم، قم: انتشارات مؤمنین.

(ج) منابع انگلیسی

- Booth, Richard (2007), **What Is A Business Crime?** , Villanova University School of Law, School Of Law Working Paper Series, Paper 98, PP 127-145.
- Davies, Pamela A. (2003), "Is Economic Crime a Man's Game?", **Feminist Theory** (SAGE publications), Vol. 4, No. 3.
- Duff, R.A Anthony, (2001), **Punishment, Communication and Community**, Oxford: Oxford University Press.
- Jose Rico (2012), **Notes Introductives a letude de la Criminalite des affaires**, luniversite dc montreal.
- Larguier, Jean & Conte, Philippe (2004), **Droit Pénal des Affaires**, Armand Colin Des publications, 11e éd.